

بیانه مشترک سه حزب کمونیست کارگری، در ایران و عراق تخاصمات آمریکا با ایران، مخاطرات محلی و منطقه ای

موقعیت سیاسی طبقه کارگر ایران از دریچه ای بیرونی

ثریا شهابی

از خیزش دیماه ۱۳۹۶ تا اول مه امسال، تنها طی دو سال، تغییر کیفی در موقعیت سیاسی طبقه کارگر ایران در مقابل بورژوازی حاکم و نمایندگانشان در قدرت، را میتوان به روشنی دید. از دیماه ۹۶ به بعد، تغییر توازن قوا طبقه کارگر و محرومین در مقابل کارفرما و نمایندگان شان، نمایندگان شریک در تمام قدرت، از هر دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب و مجلس و دولت و بیت رهبری و سپاه و... و پیشروی هرروز این طبقه، را میتوان هرروز و هر لحظه با فاکتورهای عینی و زمینی، اندازه گرفت و دید.

خیزش دیماه، اعتصابات باشکوه هفت تپه و فولاد، شکل گیری شوراهای کارگری و مردمی، با برگزاری ۱۱ اردیبهشت و روز کارگر در هفته گذشته، تکمیل شد. اول مه ای که سرکوب و تهدید و گروگرفتن معیشت و هستی هم نتوانست مانع برگزاری باشکوه و عظیم آن در سراسر ایران شود. مراسم اول مه امسال، جنبش کارگری ایران را قدم دیگری علیه بورژوازی و نمایندگانش در حاکمیت به پیش راند.

علیرغم عظیم ترین فقر و فلاکتی که بر هستی و زندگی میلیون ها نفر از خانواده های کارگری، معلمان، بازنشستگان، جوانان و سالمندان تحمیل کرده اند، محکومین در ایران، نه تنها میدان را خالی نمی کنند که در هر قدم بیش از پیش متحد تر، متشکل تر، حاکمیت را به چالش می کشند و آن را زیر ضربات محکم مطالبات انسانی خود، قرار میدهند.

این تغییر توازن قوا، نه یک حرکت و رویداد "منزوی" و در حاشیه رویدادهای سیاسی، که یک روند پیوسته و سراسری است. روندی که در راس آن طبقه کارگر و سازماندهندگان و فعالین تشکل ها و اعتراضات کارگری قرار دارد. روندی که جامعه هشتاد میلیونی ایران، از

صفحه ۳

جمهوری اسلامی به عنوان عنصر بی ثباتی و خطری برای امنیت خاورمیانه است و باید رفتار خود را اصلاح کند.

در واکنش به تحریمها و تهدیدات دولت ترامپ، جمهوری اسلامی نیز اعلام کرده است: "رژیم ایالات متحده آمریکا را، دولت حامی تروریسم و فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه غرب آسیا (موسوم به سنتکام) و تمامی نیروهای وابسته به آن را گروه تروریستی می داند."

همزمان با افزایش تحریمها و تهدیدهای دولت آمریکا و عکس العمل جمهوری اسلامی به آن، تحریکات اسرائیل و عربستان سعودی و تلاش آنها برای تشدید این تخاصمات، گسترش تبلیغات و فضای جنگی همراه با مانورهای نظامی طرفین، نه تنها مردم ایران بلکه مردم کل منطقه را در هراس و نگرانی عمیقی فرو برده

تخاصمات آمریکا با ایران وارد دور تازه ای شده است. اجرای تحریمهای اقتصادی بر ایران که پس از خروج آمریکا از برجام صورت گرفت، امروز با قرار دادن کل سپاه پاسداران در فهرست "سازمانهای تروریستی خارجی" و پایان مدت معافیت شش ماهه هشت کشور برای خرید نفت از ایران و عدم تمدید آن، وارد دوره جدیدی شده است.

هیئت حاکمه آمریکا اعلام کرده است که تحریمهای نفتی ایران را چنان همه جانبه دنبال میکند که صادرات نفت این کشور به صفر برسد. بعلاوه به همه کشورها و موسسات و بانکها اعلام کرده اند که "اگر با سپاه پاسداران معامله کنید یعنی اینکه سرمایه تروریسم را فراهم کرده اید." بدینصورت از دوم ماه مه دامنه تحریمهای اقتصادی بر ایران ابعاد وسیع و همه جانبه ای خواهد گرفت. بهانه آمریکا برای این اقدامات وجود

است. مستقل از ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، نفس گردنکشی، تحریم و تهدیدهای دولت آمریکا با هر بهانه ای، اقدامی زورگویانه و قلدرمنشانه و محکوم است.

دولت ترامپ به سیاق دول قبلی این کشور با هدف تامین منافع خود و در جدال با قطبهای اصلی امپریالیستی و رقبای جهانی خود، با تراشیدن "محور شر" و به نام دفاع از "امنیت" جهان، در قامت رئیس و ژاندارم جهان عامل اصلی درگسترش ناامنی و جنگ و فضای جنگی، ارباب و قلدری و زور گویی در کل خاورمیانه و جهان است.

ادعای "دفاع از امنیت" خاورمیانه و "مقابله با تروریسم" و دفاع از حقوق بشر از جانب دولت آمریکا، دولتی که نه تنها وسیعترین کشتارهای جمعی و جنایت را از هیروشیما و ناکازاکی تا

قلدری آمریکا و امنیت در منطقه

امان کفا



اعزام ناوگان لینکلن آمریکا به خاورمیانه و فضای جنگی را بر این منطقه حاکم کرده است. مستقل از اینکه بولتن و پمپئو، هر دو ابراز داشته اند که هدف آمریکا از اعزام این ناوگان، "اعلام جنگ به جمهوری اسلامی نیست"، اما این اقدام با در نظر داشتن اطلاق "تروریسم" هر دو دولت به نیروهای متقابل، مسلما نشان از بالاگرفتن تنش هایی است که می تواند، خواسته و یا ناخواسته، به درگیریهای نظامی بیانجامد.

مسلماء، اعزام ناوگان آمریکا، به تنهایی امری بی سابقه نیست. اما همینکه آمریکا مشخصا ایران را هدف و دلیل این لشکر کشی معرفی میکند، بیانگر امکان و افزایش احتمال درگیری است. فراتر اینکه آمریکا مقابله را نه تنها با جمهوری اسلامی در ایران، بلکه به تقابل با نیروهای نیابتی رژیم اسلامی تعمیم داده است.

صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

بیانیه مشترک

افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و دهها کشور دیگر و از امریکای لاتین تا آفریقا را در پرونده دارد، دولتی که بزرگترین عامل اشاعه تروریسم دولتی و سازنده انواع جریانات جنایتکار از اسلامی تا قومی و گانگسترهای نظامی بوده، بیش از اندازه مایه تمسخر است. اولین قدم در راه امنیت خاورمیانه و جهان، افسار زدن بر میلیتاریسم و تحریم و تحرکات دولت آمریکا و متحدین او در منطقه است.

هر چند نمایندگان هیئت حاکمه آمریکا رسماً اعلام کرده اند که آنها نه رژیم چینج و نه جنگی را علیه ایران در دستور دارند، اما با تحریمهای وسیع اقتصادی، رسماً و عملاً جنگ ویرانگر بزرگی را علیه مردم ایران، شروع و کمر طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه را خم کرده اند. طبقه کارگر و مردم محروم در ایران اولین قربانیان این جنگ اقتصادی اند.

تحریمهای آمریکا بهترین فرجه و امکان را برای فرار جمهوری اسلامی از جوابگویی به مطالبات رفاهی دهها میلیون کارگر و مردم محروم و معترض ایران به بهانه تحریم ها، را فراهم ساخته است. همزمان تشدید فضای جنگی از طرف آمریکا، برای حکومت ایران بهانه و مستمکی ساخته است تا پای انواع دستجات قومی و مذهبی شیعه، شبه نظامی مسلح طرفدار خود در منطقه را، به ایران باز کند. تا با کشاندن پای حشد الشعبی، حزب الله لبنان، فاطمیون، زینبیون و گسیل سپاه پاسداران به مناطق سیل زده و جنوب ایران، به بهانه "کمک" به سیل زدگان، و در اساس با هدف به تمکین کشاندن طبقه کارگر و عقب راندن مبارزه این طبقه و مردم آزادیخواه ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، مردم معترض را سرکوب کند.

این کشمکش نه تنها در ایران که عوارض آن زندگی و امنیت مردم کل منطقه و از جمله کشور عراق را نیز تحت تاثیر قرار داده است. فضای جامعه عراق حول این تخاصمات و فشارهای امریکا به "حاکمین" در عراق برای پیشبرد اوامر هیئت حاکمه آمریکا و اجرای تحریم ها، تحت تاثیر قرار گرفته است. "حاکمین" در عراق، تحت

تاثیر تشدید این فضای جنگ اقتصادی، بیش از پیش زیر انواع پرچمهای ارتجاعی، به نام سنی و شیعه، کرد، عرب، ترکمن و...، بار دیگر با تشدید فضای دشمنی و نفاق میان طبقه کارگر و مردم محروم در عراق، برای عقب راندن مبارزه آنان برای رفاه، امنیت و آسایش و عدالت اجتماعی، دست زده اند.

با تشدید این تخاصمات و خط و نشان کشیدنیهای دولت ترامپ و عکس العملهای جمهوری اسلامی، در لبنان، سوریه، یمن، عراق و کردستان عراق شاهد بالا گرفتن کشمکش ها میان دارودسته های نظامی و باند سیاهی وابسته به این دو قطب هستیم. در کنار قلدری آمریکا، جمهوری اسلامی نیروهای حزب الله، حشد الشعبی و شبه جریانات مسلح حکومتی و شبه نظامیان متحد خود را در منطقه به تحریک در آورده است. تحرکاتی که عواقب آن زندگی مردم این کشورها را با مخاطرات جدی روبرو می کند.

دولت آمریکا و جمهوری اسلامی و متحدین منطقه ای و جهانی آنان، دشمنان قسم خورده هر نوع برابری طلبی و عدالتخواهی در جهان اند. دوستی و دشمنی، جنگ و مذاکره و صلح این دولتها و هم پیمانان آنها در منطقه، علیه طبقه کارگر و مردم محروم در خاورمیانه است.

امروز که طبقه کارگر ایران و صف استثمار شدگان، صف زنان و جوانان آزادیخواه که برای رفاه و آزادی و تامین حقوق اولیه انسانی خود، در مقابل حاکمیت قدم های مهمی به پیش برداشته است و در ابعاد وسیع اجتماعی حکومت در ایران را به چالش کشیده است، گستاخی امریکا و قلدری او را تحت هر نام و بهانه ای، نه تنها علیه خودو کل طبقه کارگر در منطقه، که بزرگترین کمک به جمهوری اسلامی و ارتجاع منطقه میدانند.

بی تردید فراخوان و خواست و تمایل این مردم، همراه با دهها میلیون کارگر و مردم آزادیخواه در کل خاورمیانه، اعتراض به زورگویی دولت ترامپ و تلاش برای افسار کردن آن است. بعلاوه این وظیفه مردم متمدن در خود جوامع غربی و در جهان است، که هیئت حاکمه امریکا را از ماجراجویی، به خطر انداختن و بازی با سرنوشت میلیون

ها نفر در خاورمیانه و دخالت و میلیتاریزه کردن این منطقه و این و آن گوشه جهان، که تنها و تنها با تکیه بر زرادخانه عظیم نظامی امریکا صورت میگیرد، باز دارند و سر جای خود بنشانند.

حضور جمهوری اسلامی در خاورمیانه، در عراق و کردستان عراق، حضور باندهای مسلح وابسته به ایران، مستقیماً علیه طبقه کارگر و مردم محروم این کشورها است. امروز جمهوری اسلامی در عراق و حتی بخش بزرگی از کردستان عراق، یک پای قدرت و سهم در تحمیل فقر و فلاکت و ناامنی و جنگ در آنجا است.

خروج فوری نیروهای جمهوری اسلامی از سوریه، عراق، یمن، لبنان و...، کوتاه شدن دست باندهای مسلح قومی و مذهبی در منطقه، خارج کردن نیروهای مسلح و انواع تسلیحات بزرگ و مهیب آمریکا و هم پیمانان او از خلیج فارس، قطع دخالتگری های همه دولتهای مرتجع از امریکا و روسیه و بریتانیا تا اسرائیل و عربستان و ترکیه و روسیه و...، در زندگی مردم این منطقه خواست طبقه کارگر و مردم آزادیخواه منطقه است.

امروز صدای تحریک عدالتخواهانه کارگری در ایران به گوش همه رسیده است. طبقه کارگر در عراق و منطقه بی تردید از این تحریک نیرو میگیرند، به آن امید بسته است، و در کنار هم طبقه ای های خود در یک صف واحد برای آزادی و برابری و پایان بردگی تلاش میکنند.

سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی در ایران به رهبری طبقه کارگر متحد و متشکل و حزب کمونیستی این طبقه، قطعاً تحول بزرگی نه تنها در خاورمیانه که در کل جهان است. این تحول، امید بخش تحریکات انقلابی برای پایان دادن به ترور و جنایت و بردگی و توحش در عراق، کردستان عراق و کل خاورمیانه و جهان خواهد بود. مقابله با جنگ و تحریم و زورگویی های تکیه زده بر زرادخانه های عظیم نظامی قدرت های جهانی، و در راس آن دولت آمریکا، تنها و تنها با پیشروی طبقه کارگر در شکل دادن به انقلابات کارگری خود است. طبقه کارگر در

ایران، میتواند آغازگر این سیر نه تنها در منطقه که در جهان باشد.

بی شک اولین تاثیر چنین تحولی، حاشیه ای شدن تروریسم و جریانات باند سیاهی، قومی و مذهبی در منطقه است و میتواند آغازگر دوری از تحولات انقلابی، برای خاتمه دادن به ارتجاع حاکم و دولتهای مستبد و جنایتکار در خاورمیانه، توسط طبقه کارگر و مردم آزادیخواه منطقه باشد.

ما، احزاب کمونیست کارگری در عراق و ایران، بعنوان نمایندگان و سخنگویان متشکل بخشی از کمونیستها در این دو کشور و در سراسر خاورمیانه، در کنار کارگران و همه آزادیخواهان، برای تحقق چنین آرمانی میکوشیم.

ما، همه سازمان ها، احزاب، شخصیت ها و نهادها و جریانات آزادیخواه و برابری طلب، همه کمونیست ها، طرفداران طبقه کارگر و محرومین، در ایران، عراق، همه کشورهای منطقه و در جهان، را فرامیخوانیم که به هر شکل ممکن و در توان شان، علیه این جنگ اقتصادی مخرب و مخاطرات آن، دخالت کنند. در این مسیر طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در عراق و ایران و منطقه در کنا هم خواهند بود. طبقه کارگر در این کشورها و در کل خاورمیانه متحدی جز هم طبقه ای های خود و مردم متمدن در سراسر جهان ندارد.

بی تردید جهان بدون حکومت های مرتجع در ایران و عراق و سایر کشورهای این منطقه، بدون جریانات جنایتکار و باند سیاهی مسلح و غیرمسلح، بدون ترامپ های حاکم بر جهان، دنیای انسانی تر، قابل تحملتر و آزاد و برابر خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران-

حکمتیست (خطر رسمی)

حزب کمونیست کارگری عراق

حزب کمونیست کارگری کردستان

اول مه ۲۰۱۹

کردستان تا خراسان، از اهواز تا گیلان و مازندران، را حول پیشروترین بخش جنبش کارگری، به هم بافته است. این روند، بعلاوه مهر سبک کار سازمانیابی و مطالبات و شعارهای خود را بر سراسر اعتراضات و تحرکات سیاسی پایین در جامعه علیه قدرت بالا، حک کرده است.

اگر نیرو و قدرتی خارج از تحرکات مردمی و آزادخواهانه، چه «خارجی» و «چه» و «طنی»، علیه این روند دخالت نکند و آن را سرکوب یا به ناکجاآبادهای قومی و مذهبی و ناسیونالیستی نکشاند، بی تردید این روند حلقه ای، و حلقه مهمی از انقلاب سوسیالیستی آینده طبقه کارگر در ایران است. انقلابی که آیندگانی که بخوانند تاریخ آن را بنویسند، ناچارند آغاز و قدم های اولیه تولد آن را به خیزش دیماه گره بزنند! و قدم به قدم و تسلسل وار، «هفت تپه» و «فولاد» و «اول مه» امسال و فازها و قدم های بعدی این جنبش را دنبال کنند، تا بتوانند تاریخ شریطی را که در آن در ایران، و در یک روز آفتابی قدرت سیاسی به نفع طبقه کارگر یکسره شد، را درک و از آن تبیین مارکسیستی و ماتریالیستی روشنی بدهند.

امسال و پس از برنامه های وسیع اول مه، که به فراخوان سازمان ها، سندیکاها، انجمن ها و کانون های مستقل کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، تدارک دیده شد و براه افتاد، بار دیگر حضور و سوخت و ساز این طبقه را در معادلات سیاسی در ایران، به قدرت حاکم در بالا و به رسانه های راست، تحمیل کرد.

این واقعیت را با باید چشمانی از بیرون دید، بیرونی که نه تنها منفعتی در بیان حقایق در مورد ایران ندارد که، اگر و تا جایی که بتواند، پوشاندن حقایق و تحریف آن علیه محرومین، کار رویتن و دایمی آن است! سایت بی بی سی در یک بررسی تحت عنوان «جنبش

کارگری ایران در آستانه فصلی تازه» به قلم امید منتظری در ۱ مه ۲۰۱۹ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸، می گوید:

۹۹ سال پس از برگزاری اولین جشن روز کارگر در ایران (سال ۱۲۹۹)، جنبش کارگری ایران در یکی از حساس ترین دوران تاریخی خود قرار گرفته است.

از دیماه ۱۳۹۶ به بعد، اعتراض مستمر کارگران در استان های مختلف ایران و همچنین ایجاد تشکل های مستقل کارگری که زیر چتر شوراها و اسلامی کار قرار نمی گیرند، تبدیل به یک چالش امنیتی شده است.

یک نمونه آن اعتصاب سراسری کامیون دارها بود که سیستم حمل و نقل کشوری را فلج کرد و سرانجام با استفاده از خودروهای سنگین یک نیروی نظامی، یعنی سپاه پاسداران تا حدی کنترل شد.

حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی انتظامی وزیر کشور نیز در آستانه روز کارگر سال ۱۳۹۸ هشدار داد که نباید گذشت تجمع های کارگری به خیابان کشیده شود. مقام های حکومتی پیش بینی کرده اند که در سال پیش رو اعتراض های کارگری اوج بگیرد.

به معنای دیگر، به نظر می رسد اکنون جنبش کارگری در آستانه فصلی تازه از تاریخ خود قرار داشته باشد؛ فصلی که نه فقط بر وضعیت کارگران بلکه بر آینده سیاسی ایران نیز مؤثر باشد.

اعتلاف ژورنالیسم معمول و رایج، جامعه باید به حزب خود ببیندند و برای یک سره کردن قدرت سیاسی، در آن روز آفتابی که بتوان، از امروز تدارک ببینند.

برخلاف ژورنالیسم معمول و رایج، جامعه باید به حزب خود ببیندند و برای یک سره کردن قدرت سیاسی، در آن روز آفتابی که بتوان، از امروز تدارک ببینند.

۲۰۱۹ مه ۶

اپوزیسیون ایران، مبنی بر «صنفی بودن» و «کوچک بودن» مطالبات و موقعیت طبقه کارگر، را برباد می دهد.

بررسی بی بی سی، و همه رسانه های اصلی که گاه و بیگاه به این واقعیات اعتراف میکنند، باید به همه رهبران مبارزات و اعتراضات کارگری، حامیان و فعالین آن، و همه جنبش های در صحنه، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان و زنان و ... موقعیت و جایگاه و اهمیت مقطعی در تاریخ تحولات سیاسی ایران را، که به نقش و فعالیت های آنها گره خورده است، دریابند.

باید تلاش برای «مینیمالیزه کردن مبارزه، کوچک نشان دادن مطالبات و نقش و جایگاه تحرکات امروز جنبش کارگری را، که توسط دو قطب راست افراطی و «چپ آکادمیک روشنفکری» به فضای رسانه های حاشیه ای «پمپاژ» میشود، را نادیده بگیرند.

طبقه کارگر وسیع و میلیونی ایران که زیر فشار خرد کننده معیشت و بی مسیولیتی حاکمیت، بار کمرشکنی را تحمل میکند، بالاترین اشکال مبارزه و همبستگی را از خود نشان میدهد. این را راست جامعه می بیند و گاه تحت فشار به آن اعتراف میکند. بورژوازی حاکم و در قدرت، اساسا با اعتراف خود نسبت به موقعیت طبقه کارگر، بعلاوه آمادگی خود برای مقابله با این موقعیت و جایگاه، را اعلام میکند!

این رسانه ها، ناچارند هنگامی که از ایران و اعتراضات در ایران صحبت می کنند، به تشکل، سازمان، رهبران و آگاهی آنها در اتخاذ تاکتیک های پیشروی و عقب نشینی و ... نه تنها اشاره کنند که سنگینی وزن آنها را منعکس کنند.

برخلاف ژورنالیسم معمول و رایج، جامعه باید به حزب خود ببیندند و برای یک سره کردن قدرت سیاسی، در آن روز آفتابی که بتوان، از امروز تدارک ببینند.

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

قلدری امریکا

و دفاع از امنیت خاورمیانه بدون کوتاه شدن دست همه عوامل نا امنی و جنگ و کشتار در خاورمیانه، از جمهوری اسلامی و حشد الشعبی گرفته تا شیوخ عربستان و طالبان، از امریکا تا روسیه و فرانسه و چین ممکن نیست. کوتاه کردن دست همه این نیروهای ارتجاعی شرایط را برای مبارزه مردم در این منطقه جنگ زده، برای دستیابی به آزادی و امنیت و رفاه تسهیل کند.

خروج تمامی نیروهای جمهوری اسلامی و پایان دادن به دخالت های نظامی رژیم اسلامی در منطقه، خواست و مطالبه مردم آزادیخواه در ایران است. خواسته ای که با سرکوب بی مهلبا و دائمی جمهوری اسلامی مواجه شده است. اما، پایان دادن به این دخالت، تنها با مبارزه مردم و تحمیل این امر به جمهوری اسلامی ممکن بوده و هست. امروز که جمهوری اسلامی با تقابل عمومی مردم در ایران مواجه

است اعزام ناوگانهای امریکایی، دامن زدن به فضای جنگی، تلاش در نظامی کردن بیشتر این منطقه، به بهانه محدود کردن دامنه نفوذ جمهوری اسلامی، مستقل از ممکن یا غیر ممکن بودن رودرویی نظامی، رسماً قیچی کردن این پروسه، قیچی کردن دخالت مردم در تعیین تکلیف نهایی با جمهوری اسلامی است.

تعیین تکلیفی که نه از مسیر تشدید کشمکش ارتجاع حاکم در ایران و امریکا، نه از طریق تشدید تحریم ها و تحمیل فقر و فلاکت، نه از طریق دامن زدن به فضای جنگی که از مسیر مقابله و مبارزه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه حول افقی روشن، انسانی، آزاد و برابر ممکن است. جمهوری اسلامی ادامه حیات تا امروز خود را مدیون سیاستهای اولترا ارتجاعی غرب و در راس آن امریکا است.

تعیین تکلیفی که نه از مسیر تشدید کشمکش ارتجاع حاکم در ایران و امریکا، نه از طریق تشدید تحریم ها و تحمیل فقر و فلاکت، نه از طریق دامن زدن به فضای جنگی که از مسیر مقابله و مبارزه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه حول افقی روشن، انسانی، آزاد و برابر ممکن است. جمهوری اسلامی ادامه حیات تا امروز خود را مدیون سیاستهای اولترا ارتجاعی غرب و در راس آن امریکا است.

مقابله با این سیاستهای ارتجاعی امریکا و معرکه بگیران آن در اپوزیسیون، نیروهایی که ادامه حیات شان به تقابل امریکا و جمهوری اسلامی و دخالت امریکا گره خورده، بخشی از مبارزه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و رهایی از بختک حاکم در ایران است. مبارزه ای که مدتها است سوت شروع آن زده شده است.

این تصمیم دادن و این هدف قرار دادن همه نیروهای وابسته به ایران، یا در جبهه ایران، از طرف امریکا به معنی دخیل کردن اتفاقات در لبنان، سوریه، فلسطین، یمن و حتی عراق در این کشمکش و تهدیدات است. مستقل از ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی و سیاستهای ارتجاعی آن در منطقه لشکر کشی ترامپ به خلیج فارس قلدری تمام عیاری است که امریکا سعی دارد به مثابه ژاندارم منطقه به پیش برد.

در اینکه رد پای نیروهای جمهوری اسلامی در این کشورها را میتوان دید، شکی نیست. اما جمهوری اسلامی تنها و تنها یکی از بازیگران در تقابل های موجود در منطقه در کنار نیروهای دیگر منجمله ترکیه و عربستان و اسرائیل و ... است.

آمریکا با این اقدام و اعلام رسمی اینکه تنها عامل بی ثباتی و ناامنی و جنگ در خاورمیانه جمهوری اسلامی است، عملاً آب پاکی بر فجایی که دول و نیروهای ارتجاعی در منطقه بوجود آورده اند، بر کشتارها و ... شیوخ عربستان، دولت اسرائیل و اردوغان، می ریزد. ترامپ بدون هیچ پرده پوشی از نابودی زندگی و بی خانمانی میلیونها انسان بیگناه در خاورمیانه توسط

نیروها و دولت های ارتجاعی متحد و هم امریکا در منطقه، به نام دفاع از خود و مقابله با تروریسم و قلدری نظامی جمهوری اسلامی توجیه میکند. سرکوب مردم فلسطین توسط اسرائیل، بمباران مردم و کشت و کشتار در یمن، و حتی ساختن و تا دندان مسلح کردن تمامی نیروهای قومی و مذهبی در این منطقه صورت گرفته است، همگی را یکباره موجه و مورد قبول نشان می دهد.

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

راديو نينا

www.radioneena.com

تلگرام راديو نينا

@Radionenna

اینستا گرام راديو نينا

https://www.instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو

مجموعه آثار منصور

حکمت

hekmat.public-archive.net

مردم در شوراهای مستقل و مردمی خود متحد و متکامل شوید!